

واکاوی علل انحراف امت اسلام

در خطبه حضرت زهرا³

مهديه محمد تقی زاده^۱

چکیده

فاصله گرفتن از معجزه و میراث ختمی مرتبت، قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت، زمینه ساز کجروی امت اسلام، پس از وفات پیامبر⁹ گشت. تفرقه و انحرافی که با غفلت از معارف عمیق منبع وحی الهی و سلوک ائمه معصومین³، در میان امت شکل گرفت، تا به امروز نیز از جامعه مسلمانان رخت برنیسته است. در این میان و با توجه به ضرورت حفظ وحدت مسلمانان در جهان امروز، تنها راه نجات بخش برای کسانی که در پی اسلام راستین هستند، تمسک به سیره و سنت ائمه معصومین³ است؛ امامانی که حیات سیاسی و اجتماعی‌شان، لحظه‌ای برخلاف آیات غنی کتاب الهی نبود.

دقت در سیره زهرا³ اطهر³ و خطابات حضرت، به ویژه «خطبه فدک» که نماد مخالفت ایشان با انحراف پدیدآمده در جهان اسلام است، می‌تواند بهترین راه برای تعالی زندگی جمعی و حفظ انسجام مسلمانان باشد.

فرضیه تحقیق بر آن است که با تأمل در خطبه فدک، علل تفرقه امت اسلام آشکار شده، در بیان استوار این بانوی یگانه، راهکارهای برون رفت از آن، مشخص می‌گردد. در این مقاله، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی، با رویکرد توصیفی-تحلیلی برآینم تا ضمن واکاوی بخش‌هایی از این خطبه شریف به تبیین مهم‌ترین علل انحراف امت پرداخته شود.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد با توجه به خطبه، عواملی همچون: دنیاطلبی، سستی،

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس و مدرس دانشگاه m.mtaghizade@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲۱

قدرت طلبی، دین‌گریزی، پشت کردن به قرآن و عدم دفاع از امامت، ... اساسی‌ترین اسباب انحراف جامعه مسلمانان بوده است
کلیدواژه‌ها: حضرت زهرا³، خطبه فدک، علل انحرافات امت، قرآن، عترت، ولایت.

مقدمه

رسالت عظیم دفاع از شئون دین‌داری و ولایت مداری، پس از پیامبر گرامی اسلام بر عهده دختر آن حضرت گذاشته شد؛ چرا که او یکتا زنی بود که در حجره کوچک و خانه محقر خود، انسان‌هایی تربیت کرد که نورشان از بسیط خاک تا عالم افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلی می‌درخشد.^۱ به عنوان گواهی بر فصاحت و بلاغت، دانش انبوه، اندیشه سیاسی ژرف و نیز مواضع شجاعانه آن بانوی بزرگوار، می‌توان به خطابه فدک اشاره نمود. با عنایت به اهمیت و ضرورت مسئله وحدت امت اسلام در عصر حاضر، این خطبه، از اصلی‌ترین منابع دینی مورد استناد در بحث مزبور بوده است. با توجه به فرضیه این کار تحقیقی که امکان شناخت اصلی‌ترین علل انحرافات امت اسلام و چاره‌یابی برای آن، براساس یکی از اسناد مهم تاریخی، خطبه فدک، است^۲، با بررسی بخش‌های مختلف خطبه می‌توان: تبعیت از منبع انوار الهی و تاسی از خاندان عصمت، دوری از جاه‌طلبی و دنیاپرستی، کنار گذاشتن رذیله‌های اخلاقی (سستی، مسئولیت‌گریزی، تعصب‌های نابجا و ...)، بصیرت‌یابی و آگاهی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و ... را از

۱. بنگرید به: خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

۲. این خطبه به غیر از منابع معتبر شیعه در برخی از منابع اهل سنت نیز نقل شده است، از جمله: جوهری، احمد بن عبدالعزیز (م ۳۲۳) در کتاب: السقیفة و فدک بخش‌هایی از این خطبه را آورده است؛ گرچه این کتاب الان به صورت کامل آن موجود نیست، اما دلائل تاریخی نشان می‌دهد تا قرن هفتم هجری موجود بوده است. چنانچه ابن ابی الحدید و دیگران از آن نقل نموده‌اند. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: السقیفة و فدک. تحقیق: امینی محمد هادی، صفحات ۲۷-۲۶ و همچنین: آذربادگان، حسین علی: «نگاهی گذرا به اسناد و منابع مکتوب خطبه فدک، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۱.

مهم‌ترین آموزه‌های حضرت در حفظ انسجام ملت‌ها دانست. در این تحقیق برآنیم تا نخست به ضرورت ایراد خطابه فدک توسط فاطمه زهرا³ پردازیم و پس از طرح شأن و جایگاه خطبه، در بخش دوم با واکاوی عبارت‌های خطبه فدک، عوامل انحراف و انحطاط امت اسلامی را تبیین کنیم و از این رهگذر، مؤلفه‌های وحدت‌زا و تفرقه‌افکن جوامع را شناسایی نماییم.

گرچه در بین تالیفات اندیشمندان دینی، خطبه فدک مورد توجه قرار گرفته است؛ اما به دو دلیل، نخست: ایراد کننده خطبه که بهترین عالم و آگاه زمان بوده و دوم: مفاد و محتوای خطبه که به استناد بیان حضرت در خطبه، سند هدایت نسل‌ها در همه اعصار است، ضروری دانستیم برای شناسایی علل انحراف و ارتجاع امت پس از پیامبر، نگاهی نو به خطابه یادشده بیفکنیم.

۱. تبیین ضرورت ایراد خطبه فدک و جایگاه آن

در راستای عمل به نص قرآن و احقاق حق ضایع شده خاندان عصمت، مقام جانشینی پیامبر و «منطقه فدک»^۱، زهرای مرضیه³ برآن شد تا به ایراد خطبه معروف به خطبه فدکیه که دریای عظیم حقایق الهی بود، پردازد. صدیقه کبری³، با خطبه خوانی خود در مسجد النبی^۹، خط بطلانی بر تفکرات و تصورات مردم آن دوران کشید و در کنار از میان بردن طرح‌ها و نقشه‌های دشمنان، ذهنیت جامعه را نسبت به آینده حکومت و امامت و ضرورت وحدت امت شفاف سازی نمود.

مرحوم دکتر شهیدی^۱ می‌نویسد: «این سخنان (فاطمه) در آن روز در حقیقت اعلام خطری بود؛ خطری که نه تنها مهاجر و انصار، بلکه رژیم حکومت و آینده نظام اسلامی را تهدید می‌کرد. آن روز مردم پایان کار را نمی‌دیدند. ندانستند که مهتری از قریش به خاندان

۱. «بلی! کانت فی ایدینا فدک من کل ما اظلمت السماء، فشحّت علیها نفوس قوم آخرین»، از نامه حضرت

علی⁷ به عثمان بن حنیف، نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۸۷۲.

فدک، سرزمین غله خیزی در حجاز و فاصله آن تا مدینه ۱۴۰ کیلومتر است (حسینی زنجانی، عزالدین، حکمت فاطمی، ص ۲۰).

امیه و سپس به فرزندان ابوسفیان و تیره حکم بن عاص و مروانیان می رسد. و سرانجام آتشی سر می زند که سراسر شرق و سپس حجاز و شام و مغرب اسلامی را فرا می گیرد... دوران امتیازهای قبیله‌ای و نژادی تجدید گردید. دو دستگی و بلکه چند دستگی چهره زشت خود را نمایان ساخت. دیگر بار قحطانی و عدنانی رودر روی هم ایستادند و چنان به هم افتادند که گویی ایام العرب از نوزنده گشته است.»^۱

این میراث بعثت، عملاً آیین‌نامه زندگی اسلامی، قرآنی، نبوی و آمیخته به وحدت است که عاملی مهم برای تثبیت اسلام و حاکمیت اسلامی شد. ایشان، در این خطبه، آغازگر قیام تاریخی عاشورا بود و رگه‌های مخفی و ناپیدای انحراف و تفرقه^۲ در جامعه نوپای اسلامی را نمایان کرد. نظامنامه و مرامنامه برپا کننده حکومت جهانی بشری و منجی آن، حضرت مهدی (عج)، نیز مبتنی بر این سیره فاطمی است؛ حضرت می فرماید: «فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنه»^۳. حضرت زهرا^۳ در رسالت عظیم خود تلاش نمود دین را از منظر قانون الهی بشناساند و در پی اصلاح ارکان فکر دینی و عملکرد جامعه دین دار و نجات انسان‌های تازه از بند اسارت رسته و وحدت و انسجام بخشی به آنها بود و با بیان این مهم: «عباد الله انتم امناء فی بلاه»، هدایت نسل‌ها را در همه اعصار هدف قرار داده بود. این سخنرانی شیوا و خطبه پرآوازه، در کتب معتبره به تواتر ثبت شده است.^۴

فضلا و اندیشه‌وران مسلمان و غیر مسلمان فراوانی به نقل و تمجید از خطابه بدیع و بی نظیر آن حضرت پرداخته‌اند که ذکر آن در این مجال نمی گنجد؛ علی بن عیسی اربلی در کتاب خود می گوید: «خطبه فاطمه از بدایع و محاسن خطب است و در آن مسحه (نشانه

۱. شهیدی، جعفر، زندگانی فاطمه زهرا^۳، ص ۲۶۸.

۲. حضرت در خطبه خود در این باره می فرماید: (أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ) (توبه/ ۴۹)

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۴۸.

۴. از جمله: بلاغات النساء، تألیف احمد بن ابی طاهر (از علمای اهل سنت در قرن سوم)، ص ۲۳؛ علل الشرائع (به ۳ سند)، تألیف شیخ صدوق، انتشارات داوری، قم، ص ۲۴۸؛ الشافی، تألیف سید مرتضی، مؤسسه الصادق^۷، تهران، ج ۴، ص ۶۸.

واثری) از نبوت، و عقبه (بوی خوشی) از ارج رسالت است و آن را موافق و مخالف ذکر کرده است... خطبه در نهایت فصاحت و بلاغت ایراد شده، به گونه‌ای که ذکر آن موجب تحیر اهل بلاغت و عاجز شدن اهل فصاحت است.^۱

در بخش دوم این نوشتار، به بحث علل انحراف امت اسلام می‌پردازیم.

۲- اسباب انحراف و ارتجاع امت اسلام

جامعه در پرتو رشد و تعالی رعایا و زمامداران آن تعالی می‌یابد و حکومت مبتنی بر عدالت و ولایت و در نهایت حکومت شفا بخش و جهان شمول، در ورای وجود مؤلفه‌های دین‌داری و رشدیافتگی در تک تک افراد جامعه محقق می‌شود. با ماجرای سقیفه، بنای نابودی پیروان واقعی اسلام گذاشته شد و ارزش‌هایی که از آدم شروع شده و تا خاتم تکامل یافته بود، به دعوت شیطان^۲ به تندباد غفلت سپرده شد، حضرت^۳ می‌فرماید: «شیطان سراز کمینگاه خویش برآورد و شما را به خود دعوت کرد و دید که چه زود سخنش را شنیدید و سبک در پی او دویدید...» و بدین سان جماعت انصار و مهاجرین و به ویژه زمامداران حکومت، سیره و سنت ابوجهل و ابوسفیان و... را تداوم بخشیدند.^۳

با بررسی بخش‌های مختلف خطبه، دو دسته عوامل فردی و اجتماعی را می‌توان از علل مهم عقب‌گرد و انحراف امت و دین‌گریزی آنان دانست: علل فردی، همچون هوای نفس، راحت‌طلبی و میل به ارتکاب گناه و بی‌بندوباری و علل اجتماعی، همچون اوضاع و احوال اجتماعی نامطلوبی که در برخی از جوامع پدید می‌آید و متصدیان امور دینی و متولیان حکومت در پیدایش یا گسترش آنها نقش دارند.^۴ مهم‌ترین این علل با توجه به خطبه شریفه عبارت‌اند از:

۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ..

۲. «... وَأَطَّلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَعْرَظِهِ، هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ...»

۳. منتظری، حسینعلی، خطبه حضرت فاطمه^۳ و ماجرای فدک، ص ۲۶.

۴. شکوهی، علی، عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث، ص ۱۶.

۲-۱- رسوبات هویت جاهلی عرب

بررسی سابقه و تاریخچه امت عرب، از بسیاری از کنش‌ها و عملکردهای آتی آنان، رمزگشایی می‌نماید.

۲-۱-۱- نسیان امت عرب

فاطمه زهرا^۳، با رفتارهایی که در دوران پدر مشاهده کرده و آگاهی‌هایی که از آینده همسر و فرزندانش دارد، بند بند خطبه خود را مقدمه سازی برای بیداری امت و آیندگان قرار می‌دهد و با نمایان کردن خصلت‌ها و خویهای حیوانی دوران جاهلیت عرب، ویژگی‌های عصرزنده به گور کردن دختران و بردگی مردان و زندگی همچون احشام جامعه و... را برشمرده، با ذکر بعثت پدر و ارسال مبشّر و منذر بشریت، تفاوت‌های این جامعه هدایت شده را با پیش از آن متذکر شدند. حضرت یادآور می‌شود که «شما با اسلام از نیستی به هستی و از تیرگی به روشنایی هدایت شدید، حال با خود چه می‌کنید!»

مهم‌ترین ویژگی‌های آن دوران در کلام حضرت عبارت‌ند از:

الف) **ضعف معنوی:** حضرت خطاب به جمع حاضر در مسجد می‌فرماید شما در جاهلیت و بت‌پرستی به سر می‌بردید: «و شما برکناره پرتگاهی از آتش قرار داشته‌اید»،
ب) **ضعف سیاسی و اجتماعی:** حضرت آنها را به جماعتی تعبیر می‌نماید که هر کس عطشی داشت با بهره‌برداری از آنها خود را سیراب می‌کرد: «و مانند جرعه‌ای آب بوده و در معرض طمع طماعان قرار داشتید، همچون آتش‌زنه‌ای بودید که بلافاصله خاموش می‌گردید، لگدکوب روندگان بودید...»^۲

ج) **ضعف مادی:** حضرت یادآور می‌شود که «شما ای قوم عرب، هم از لحاظ دینی تهی بودید و هم از نظر ارزش‌های دنیایی و مادی. حال این فراموش کاری از کجا شما را فراگرفته

۱. (وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ).

۲. «مُدْفَعَةُ الشَّارِبِ، وَنُهْزَةُ الطَّامِعِ، وَقَبْسَةُ الْعِجْلَانِ، وَمَوْطِئُ الْأَقْدَامِ،...».

که به یاد نمی آورید این اسلام محمد ^ﷺ بود^۱ که شما را عظمت و قدرت داد»،^۲
 (د) ضعف روحی: حضرت آنها را از نظر روحی بی شخصیت و محروم می خواند: «خوار و
 مطرود بودید، می ترسیدید که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را برابند.»^۳ .^۴

۲-۱-۲- عقب‌گرد امت و ضعف بنیه های ایمانی

حضرت در ادامه یادآور می شود که شکوفایی اسلام، خیر و صلح و تعالی را برای شما به
 ارمغان آورد، در جایی می فرماید: «تا اینکه سنگ آسیاب اسلام بر محور ما به گردش آمد،
 برکات روزگار جریان و کثرت پیدا کرد، گلوی شرک فرود آمد، فوران دروغ آرام شد... و نظام و
 رشته دین هماهنگ و منسجم شد.»

«حال شما را چه می شود! چرا عقب‌گرد کردید!... آنچه را در درون خود جای داده بودید
 به بیرون پرتاب کردید و چیزهای گوارایی که خورده بودید بالا آوردید...»^۵ در نهایت،
 عاقبت این عقب‌گرد را با ذکر آیه ۱۴۴ سوره آل عمران به جماعت یادآور می شود: «محمد
 پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد
 به عقب برمی‌گردید، و آن کس که به عقب برگردد به خدا زبانی نمی‌رساند، و خدا
 شکرکنندگان را پاداش خواهد داد.»^۶

۱. «فانقذکم الله تبارک و تعالی بای محمد ^ﷺ بَعْدَ اللَّتِيَّاءِ وَالتِّي، وَبَعْدَ أَنْ مَنِيَ بِهِمُ الرِّجَالِ، وَذُؤْبَانَ الْعَرَبِ،
 وَمَرَدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ».

۲. «از آبی می نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند، و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می کردید
 ... تَشْرَبُونَ الطَّرِيقَ، وَتَقْتَاتُونَ الْقِدَّ».

۳. «أَذَلَّةٌ حَاسِسِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَخْطَفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ».

۴. منتظری، حسینعلی، خطبه حضرت فاطمه [ؑ] و ماجرای فدک، ص ۱۴۶.

۵. «وکیف بکم! افحکم الجاهلیة تبغون! فَمَجَّجْتُمْ مَا وَعَيْتُمْ، وَدَسَعْتُمْ الَّذِي تَسْوَعْتُمْ».

۶. (وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى
 عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ) (آل عمران / ۱۴۴).

۲-۱-۳- کینه توزی های عرب و عصبیت های باقی مانده از جاهلیت

دخت پیامبر نیک می دانست کسانی در زمان پدرش به اسلام روی آوردند که هیچ اعتقادی به این آیین نداشته و تنها به سبب ترس و یا برای حفظ منافع آینده خود، به آن گرویدند و از سویی شوهرش علی در جنگ ها با کفار و مشرکان، بزرگان قریش را به خاک هلاکت افکنده و پهلوانان نامی عرب را به تسلیم آورده است؛ چنان که امیرمؤمنان در وصف خود می فرماید: «من در دوران جوانی، بزرگان و شجاعان عرب را به خاک افکندم و شاخه های بلند قبیله های ربیعه و مضر را در هم شکستم». ^۱ حضرت زهرا ^۳ می دانست صاعقه این حقد ها و کینه توزی ها پس از فوت پیامبر بر سر علی فرو خواهد ریخت؛ چنان که ابن ابی الحدید در تحلیل زیبایی در این باره می گوید: «نه تنها خون هایی که به دست علی ^۷ ریخته شد، بلکه هر خونی که با شمشیر دیگران در راه اسلام ریخته شد انتقامش را تنها از علی ^۷ می گرفتند، عادت عرب بر آن بود که اگر خونی از آنان ریخته می شد انتقامش را از قاتل می ستانند و اگر او می مرد و یا توانایی آن را نداشتند انتقامش را از نزدیک ترین خویشانش می گرفتند». ^۲

زهرا ^۳ با اشاره به این انتقام جویی در جمع زنان مهاجر و انصار فرمود: «چه باعث شد که با کینه توزی از علی انتقام بگیرند؟ آری از او ناراحت بودند؛ چون شمشیر او در راه خدا، خودی و بیگانه و شجاع و ترسو نمی شناخت و چون علی ^۷ در برابر مرگ بی اعتنا بود و ترسی نداشت و در راه خدا چون پلنگ، خشمگینانه بردشمنان خدا می تاخت». ^۳ در نهایت، در بخش های پایانی خطبه، حضرت از شدت اندوه رو به سوی مدفن پیامبر ^۹ می فرماید: «هنگامی که درگذشتی و خاک بین ما و تو حایل شد، مردانی کینه های درون خود را برای ما آشکار ساختند». ^۴

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۱۵۸.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸.

۴. «ابدت رجال لنا نجوی صدورهم لما مضیت وحالت دونک الترب»

۲-۲- راحت طلبی دیروز و فرصت طلبی امروز امت

خصلت‌های نکوهیده جماعت عافیت طلب و فرصت طلب در کلام حضرت شمارش می‌شود:

الف) بی التفاتی و بی تفاوتی: از مهم ترین آموزه های حضرت رسول، دغدغه مندی و دل نگرانی امت نسبت به برادر و خواهر دینی بود و این مهم در سیره خود پیامبر⁹ و ائمه¹⁰، شاهد مثال های فراوانی دارد که در این مقال، مجال پرداختن به همه آنها نیست: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتته»^۱.

تغافل از دادخواهی و احقاق حق مظلوم، نشانه وجود و ثبوت این ویژگی نکوهیده در قوم عرب است، حضرت در بخشی از خطبه می فرماید: «ای پسران قیله - گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم، در حالی که مرا می بینید و سخن مرا می شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، و دارای نفرت و ذخیره اید، و دارای ابزار و قوه اید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما می رسد، ولی جواب نمی دهید، و ناله فریادخواهی ام را شنیده، ولی به فریادم نمی رسید...»^۳.

از یک سو فدک، ارثیه و حق^۴ یقینی خاندان اهل بیت ترضیع شده بود و از سوی دیگر

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۸.

۲. پیامبر⁹ می فرماید: «المؤمن اخو المؤمن کالجسد الواحد ان اشتکی شیئاً منه وجد الم ذلک فی سائر جسده». (کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۳۳).

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

(گلستان سعدی، باب اول در سیرت پادشاهان، حکمت ۱۰)

۳. «إِيهَا بَنِي قَيْلَةَ! أءْ أَهَضَّمُ ثِرَاتِ أَبِي وَأَنْتُمْ بِمَرَأَىٰ مِنِّي وَمَسْمَعٍ وَمُنْتَدَىٰ وَمَجْمَعٍ، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَتَشْمَلُكُمْ الْخُبْرَةُ، وَأَنْتُمْ ذُؤُورُ الْعَدَدِ وَالْعُدَّةُ وَالْأَدَاةُ وَالْقُوَّةُ، وَعِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَالْجُنَّةُ، تُؤَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَتَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغَيِّبُونَ...».

۴. امیرالمؤمنین می فرماید: «فالحق اوسع الاشياء في التواصف و اضيقها في التناصف»؛ حق فراخ ترین

منصب زعامت به شایسته آن سپرده نشده بود، و با این حال دادخواهی های صدیقه اطهر با بی تفاوتی و بی التفاتی جماعت انصار و مهاجرین مواجه شده بود: «ای گروه نقباء، وای بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهل انگاری از دادخواهی من چرا؟»^۱... تا بدانجا که سوز دل خود را در بازگشت، با همسر در میان می گذارد: «انصار یاری خود را از من دریغ داشتند و مهاجرین ارتباط خویش را با من نادیده گرفتند... پس دفاع کننده ای بر من نبود و خفیف و خوار به منزل بازگشتم...».

در ادامه، نفاق این امت نسبت به قرآن و عترت ترسیم گردیده و نمودهای آن تبیین می شود.

ب) سستی، عهدشکنی و مسئولیت گریزی: حضرت می فرماید: «آگاه باشید آنچه گفتم با شناخت کاملم بود، به سستی پدید آمده در اخلاق شما...»^۲.

عدم وفای به عهد و پیکار نکردن با دشمنان دین خدا، نمودهای عینی سستی و مسئولیت ناپذیری آن جماعت، با توجه به سخنان حضرت زهرا^۳ است. حضرت می فرماید: «چرا با گروهی که سوگندهای خود را شکستند و بر آن شدند که فرستاده [خدا] را بیرون کنند و آنان بودند که نخستین بار [جنگ را] با شما آغاز کردند نمی جنگید؟ آیا از آنان می ترسید با اینکه اگر مؤمنید خدا سزاوارتر است که از او بترسید؟» (توبه / ۱۳)

ج) سکوت، محافظه کاری و ترس نابجا از وقوع فتنه: حضرت، آن جماعت را شماتت می کند که هنوز از رحلت رسول نگذشته بود که بهانه تراشی کرده، از وقوع در فتنه می هراسید و تن به بلوای سقیفه دادید... در ادامه، حضرت با اندیشه سیاسی ژرف و عمیقی که داشت، به آنان یادآور می شود: «حال آنکه با قهر و غلبه این زمامدار متجاوز سنگدل و بی رحم، قلبتان برای فتنه هایی که پیش می آید و هرج و مرجی که فراگیر می شود، مطمئن باشد... و به راستی جهنم، کافران را احاطه نموده است.» (عنکبوت / ۵۴)

چیزها در سخن و تنگ ترین چیزها در عمل است. (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

۱. «يا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَحَصَنَةَ الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْعَمِيْرَةُ فِي حَقِّي وَالسَّيْنَةُ عَنْ قُلَامَتِي؟»

۲. «أَلَا، وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخُدْلَةِ الَّتِي خَامَرْتُكُمْ...».

د) تن آسایی و فرصت طلبی: حضرت، عافیت طلبی و خوشگذرانی قوم را مورد توجه قرار داده، با وصف ویژگی‌های آنها، دلیل به جولان در آمدن سپاه کفر و نفاق و عناد با خاندان عصمت و طهارت را در بستر فرصت طلبی آنها معرفی می‌نماید و می‌فرماید: «شما در آسایش زندگی می‌کردید، در مهد امن و متنعم بودید، و در انتظار به سر می‌بردید تا ناراحتی‌ها و بلاها ما را در برگیرد، و گوش به زنگ اخبار بودید (خود وارد صحنه نمی‌شدید) و هنگام کارزار عقب‌گرد می‌کردید، و به هنگام نبرد می‌گریختید...».

«آگاه باشید می‌بینم که به تن آسایی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود دور ساخته‌اید، با راحت طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده‌اید...»^۱.

از این جملات به خوبی دانسته می‌شود که زمینه اصلی غصب خلافت و رهبری و تجاوزگری زمامدار نالایق و بی‌کفایت، بی‌تفاوتی و راحت طلبی و در یک کلام «دنیا طلبی» مردم بود؛ در غیر این شرایط، هرگز یک جماعت معدود فاقد بضاعت، قادر نمی‌بودند مسیر امامت را منحرف سازند.^۲

۲-۳ - پیروی از هوای نفس و قدرت طلبی زعما

با ملاحظه منش صاحبان قدرت در تاریخ، در می‌یابیم که شیفتگان آن، دغدغه ارزش‌ها را ندارند و از هر فرصتی برای نیل به آن بهره می‌گیرند. برخلاف امیرالمؤمنین^۷، که از معدود حاکمان ارزشگرا در طول تاریخ است و شرط حکومتش تحقق ارزش‌ها بود، جامعه در عصر خلفای غیر او به انحراف گراییده، در پی برپایی عدالت و ارزشگرایی نبود. لذا حضرت زهرا^۳ در بخشی از خطبه، پیروی از هواهای نفسانی و فریبکاری این زمامداران بناحق بر کرسی زعامت نشسته را گوشزد می‌کند

۱. «أَلَا، وَقَدْ أَرَىٰ أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ، وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسِطِ وَالْقَبْضِ، وَخَلَوْتُمْ بِالذَّعَةِ، وَتَجَوَّوْتُمْ بِالصَّيْقِ مِنَ السَّعَةِ...».

۲. منتظری، حسینعلی، خطبه حضرت فاطمه زهرا^۳ و ماجرای فدک، ص ۲۴۸.

و مردم را آگاهی می‌بخشد: (کَلَّا * بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ)؛ نه چنین است، «هواهای نفسانی شما این کار را [در چشم شما] آراسته است. من صبر جمیل [و شکیبایی به دور از ناسپاسی] خواهم داشت و در برابر آنچه می‌گویید، از خداوند یاری می‌طلبم.» (یوسف/۱۸).

آیه مذکور همان سخن حضرت یعقوب ⁷ خطاب به برادران حضرت یوسف ⁷ است که می‌خواستند با صحنه‌سازی و دورخ پدر را فریب دهند. حضرت نیز، با تلاوت این آیه شریفه، اعمال آنها را با اعمال برادران یوسف تطبیق داده، لذا عمل فریبکارانه آنان را آشکار می‌نماید ^۱. زمامداری و حفظ قدرت خلیفه اول، در سایه توسل به دو بازوی طالبان جاه و شکوه: سیاست بازی و چنان که اشاره شد فریبکاری محقق می‌شد. وی در پاسخ حضرت، تهیه سلاح و اسب را برای غصب فدک بهانه نمود و این را تصمیم‌گیری جمع دانست ^۲، حال آنکه این بهانه تراشی‌ها، تنها ابزاری بود برای فریب مردم تا با تمسک به آن، حق مسلم این خاندان از دستشان خارج شود و اهل بیت به حاشیه جامعه کشانیده شوند.

سلاح دیگر ابوبکر برای حفظ این قدرت، سیاست بازی‌های او بود، تا بدانجا که در ابتدای سخن، به تعریف و تمجید از پیامبر گرامی اسلام و دخت مکرم او پرداخت ^۳ و با این حربه وانمود کرد که عداوت و کینه‌ای از آنان به دل ندارد و تلاش نمود اذهان را منحرف ساخته، پس از آن با طرح حدیث ساختگی که آن را به پیامبر صواب و صلاح نسبت داده بود ^۴، اشغال فدک را جایز اعلام نماید.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

۲. «وَقَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتَهُ فِي الْكِرَاعِ وَالسِّلَاحِ، يُقَاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَيُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَيُجَالِدُونَ الْمَرْدَةَ الْفُجَّارَ، وَذَلِكَ بِإِجْمَاعِ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَنْفَرِدْ بِهِ وَخَدَى، وَلَمْ أَسْتَبِدْ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدِي.»

۳. «بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا، رَوُوفًا رَحِيمًا، وَعَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَعَقَابًا عَظِيمًا... وَأَنْتِ يَا خَيْرَةَ النِّسَاءِ وَأَبْنَةَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وُفُورِ عَقْلِكَ، غَيْرُ مَرْدُودَةٍ عَنِ حَقِّكَ...»

۴. «... نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً، وَلَا دَارًا وَلَا عِقَارًا، وَإِنَّمَا نُورِثُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالْعِلْمَ وَ النَّبُوَّةَ...»

۲-۴- پشت کردن به معارف والای قرآن و عترت

در امت عرب تازه متولد شده پس از عصر تیرگی و ضلالت جاهلیت، کتاب الهی و نور نبوی، انحراف‌ها را مانع شدند و از میانه مسیرهای راست و چپ، صراط مستقیم را رهنمود بودند و دین جامع و جهان شمول اسلام نیز در پرتو همین ویژگی هاست که توانایی پاسخ‌گویی به همه مسائل در همه زمان‌ها و ارائه طریق در همه بحران‌ها را دارا می‌باشد؛ فلذا بدون انوار نبوت و امامت دنباله‌رو آن (این تعلیم دهندگان معارف و حقایق قرآن کریم)، یافتن راه صواب و مستقیم برای پیروان دین ناممکن است؛ بدین سان پیروان هر مکتبی که بدون قطب علمی و معنوی باشند، به انحراف و ارتجاع خواهند گرایید.

با پدید آمدن ماجرای سقیفه و کنار گذاشته شدن جانشین برحق نبوت، دین الهی با خطر فقدان شاهد و مراقب و قطب علمی روبه‌رو می‌شد و دیگر رکنی برای پر کردن خلأهای فکری بشر وجود نمی‌داشت (آنچه نشانه‌های آن تا به امروز نیز دیده می‌شود).^۱ صدیقه طاهره^۳ با بینشی عمیق و جهان بینی دقیق، با قاطعیت تمام این فاجعه را گوشزد می‌کند: «جامه دین، پوسیده و کهنه شد...»^۲.

حضرت در این خطبه، قلب‌هایی را که منزل گناه شده است، قادر به فهم آیات کریمه قرآن نمی‌داند و می‌فرماید: «آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بردل‌ها مهر زده شده است، نه چنین است، بلکه اعمال زشتتان بردل‌هایتان تیرگی آورده و گوش‌ها و چشمانتان را فراگرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده و بد راهی را به او نشان داده و با بد چیزی معاوضه کردید، به خدا سوگند تحمّل این بار برایتان سنگین و عاقبتش پراز و زرو و وبال است؛ آن‌گاه که پرده‌ها کنار رود و زیان‌های آن روشن شود و آنچه را که حساب نمی‌کردید برای شما آشکار شود، آنجاست که اهل باطل زیانکارند».

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

۲. «... وَ سَمَلِ جِلْبَابِ الدِّينِ، وَ نَطَقِ كَاظِمِ الْغَاوِينَ، وَ تَبِعِ خَامِلِ الْأَقْلِينَ، وَ هَدَرَ فَنِيْقِ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِی عَرَصَاتِكُمْ؛ ... جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبان با قدر و منزلت گردیده، و شتر ناز پرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌هایتان پیامد...».

یافته‌های پژوهش

خطبه حضرت فاطمه ³، یکی از منابع اصیل فرهنگ اسلامی است که با شرح و تفسیر آن، حقایق هرچه بیشتر روشن می‌گردد. در سراسر این خطبه، نکته‌ای که حکایت از سستی و ضعف آن کند، مشاهده نمی‌گردد و تمامی مطالب آن با حقایق قرآنی و آیات الهی مطابقت و موافقت دارد و این دلیل بر عظمت روحی و تعالی اخلاقی و عصمت و پاکی ایرادکننده خطبه است که از منبع علم و حکمت بی‌پایان وحی و از عمق تفکر دقیق عرفان الهی و از ژرفای شناخت علمی اسلام سرچشمه گرفته است.

این خطبه از موارث بزرگ اهل بیت³ و از مدارک مهم ولایی است. تحلیل‌های عمیق حضرت فاطمه زهرا ³ در این خطبه، بیانگرینش دقیق و عمیق آن حضرت در پیچیده‌ترین مسائل مربوط به توحید، مبدأ و معاد است. تفسیری که دُخت گرامی پیامبر ⁹ برای مسائل مهم عقیدتی، سیاسی و اجتماعی در این خطبه نموده، برهانی است آشکار بر این که این سخنان به زمان و مکان خاصی تعلق نداشته و مخاطب آن، جامعه بشری در همه اعصار و زمان هاست.

حضرت در این خطبه، با بیان فلسفه توحید، نبوت، معاد و علل شرایع، به تبیین وضع موجود و دلایل عقب‌گرد مسلمانان می‌پردازد و به جوشش رذیله‌های فکری و عقیدتی در افراد امت و بازگشت آنان به دوران عصبیت و جاهلیت اشاره نموده، انحراف آنان از مسیر نبوت، امامت و تباهی بذره‌های کاشته شده ختمی مرتبت و فداکاری‌های قهرمانانه و شجاعانه امام برحق امت را یادآور می‌شوند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه حضرت علی ⁷، ترجمه علامه جعفری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۳. آذر بادگان، حسین علی، «نگاهی گذرا به اسناد و منابع مکتوب خطبه فدک، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۱.
۴. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، دار احیاء التراث العربیه، مصر، ۱۹۶۵ ق.

۵. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، *معانی الاخبار*، تصحیح علی اکبر غفاری، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۹۹ق.
۶. اسفندیاری، محمد، *آسیب شناسی دینی: پژوهش‌هایی در حوزه اسلام شناسی و جامعه‌شناسی*، صحیفه خرد، قم، ۱۳۸۴ش.
۷. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمّة فی معرفة الأئمّه*، حاج محمد باقر کتابچی حقیقت، تبریز، ۱۳۸۱ش.
۸. اللهیاری، علیرضا، *سخنرانی حضرت فاطمه³ در مسجد پیامبر اکرم⁹*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۶ش.
۹. امینی، ابراهیم، *فاطمه زهراء³*، ترجمه حبیب چایچیان، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ش.
۱۰. جوهری، احمد بن عبدالعزیز، *السقیفه و فدک*، تحقیق: محمد هادی امینی، مکتبه نینوی الحدیثه، طهران، بی تا.
۱۱. حسینی زنجانی، عزالدین، *حکمت فاطمی (تلخیص شرح خطبه حضرت زهرا³)*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۸ش.
۱۲. خمینی، روح الله، *صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۵ش.
۱۳. دشتی، محمد بن ابراهیم، *چهل حدیث فاطمی از کتاب ارزشمند نهج الحیاه*، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین⁷، قم، ۱۳۸۸ش.
۱۴. شکوهی، علی، *عوامل و ریشه های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۴ش.
۱۵. شهیدی، جعفر، *زندگانی فاطمه زهراء³*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۹۱ش.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۷. _____، *الاصول من الکافی*، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ش.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۹. منتظری، حسینعلی، *خطبه حضرت فاطمه زهرا³ و ماجرای فدک*، درس‌هایی از آیه الله منتظری، خرد آوا، تهران، ۱۳۸۵ش.